



## رمزگشایی رهبر شهید از اسرار حج

رهبر شهید انقلاب با تأکید بر اینکه حجاج باید با ابعاد و اسرار گسترده حج آشنا شوند تصریح فرموده‌اند که ساکن نماندن و «ذکر» از اسرار قابل تأمل حج است که زائران باید به آنها توجه کنند.

رهبر شهید انقلاب با تأکید بر اینکه حجاج باید با ابعاد و اسرار گسترده حج آشنا شوند تصریح فرموده‌اند که ساکن نماندن و «ذکر» از اسرار قابل تأمل حج است که زائران باید به آنها توجه کنند.

(رمزگشایی) سرگشایی از اسرار حج توسط رهبر شهید حج ابراهیمی، فراتر از یک مناسک عبادی، تجلیگاه شکوهمند وحدت، بیداری و بازگشت به خویشتن جمعی امت اسلامی است. در طول سالیان متمادی، رهبر فرزانه شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)، با نگاه ژرف و راهگشای خود، همواره این فریضه الهی را کانون توجه و رهنمودهای حکیمانه قرار داده‌اند. ایشان هر سال دو سخنرانی مهم با محور حج انجام می‌دادند؛ سخنرانی اول در دیدار با کارگزاران حج و سخنرانی دوم در قالب پیامی به کنگره عظیم حج که در مراسم برائت از مشکرین قرائت می‌شد.

در این صحبت‌ها ایشان نه تنها به بیان احکام فردی و وجوب حج می‌پرداختند، بلکه ابعاد سیاسی، اجتماعی و تمدنی این مناسک بزرگ را نیز تبیین می‌فرمودند. این رهنمودها، نقشه راهی است برای تبدیل حج از یک عمل شخصی به یک قیام بزرگ برای عزت و بیداری مسلمانان در برابر استکبار و چالش‌های دنیای معاصر.

ایکنا در راستای ترویج معارف ناب اسلامی و منویات مقام معظم رهبری، بر آن شده‌است تا سلسله گفتارهای موضوعی از بیانات ایشان درباره «حج» و مسائل پیرامون آن را منتشر کند. در این مجموعه، هر قسمت به یکی از محورهای اساسی رهنمودهای معظم له اختصاص خواهد یافت تا زائران و عموم علاقه‌مندان به معارف حج با درکی عمیق‌تر از فلسفه حج و مسئولیت‌های سنگین خود در این سفر الهی، به استقبال این فریضه روند.

در بخش دوم به موضوع «اسرار حج» پرداخته شده‌است که در ادامه با هم می‌خوانیم.

رهبر شهید ایران در آخرین دیدار خود با دست اندرکاران حج در سال ۱۴۰۴ فرمودند: «شما که حاجی هستید و حاجی می‌شوید ان شاءالله، بدانید چه کار دارید می‌کنید.

مثلاً «طواف» که شما می‌کنید؛ درس طواف، گردش گرد مرکزیت توحید است. به بشریت یاد می‌دهد که حرکت زندگی ات باید این جور دور مرکز توحید باشد؛ زندگی، زندگی توحیدی؛ حکومت، حکومت توحیدی؛ اقتصاد، اقتصاد توحیدی؛ رفتار با برادران و خواهران، رفتار توحیدی؛ خانواده توحیدی؛ همه امور زندگی بر محور توحید بایستی باشد.

این اشاره طواف، به یک درس زندگی است؛ این درس است. البته ما خیلی فاصله داریم؛ حالا ماها که مسلمانیم و مؤمنیم و به خیال خودمان در راه خدا حرکت می‌کنیم، خیلی فاصله داریم؛ آنهایی که خدا را نمی‌شناسند که هیچ! اگر چنانچه بشریت توفیق پیدا کند که زندگی اش، حکومتش، درسش، جنگش، صلحش، رفاقتش، دشمنی اش بر محور خدا انجام بگیرد، دنیا گلستان خواهد شد. اگر توحید ملاک باشد، این خودخواهی‌ها، این بی‌رحمی‌ها، این قساوت‌ها، این قتل‌ها، این کودک‌کشی‌ها، این استعمارها، این دخالت‌ها در کشورهای دیگر، از بین خواهد رفت. طواف به شما این را یاد می‌دهد، می‌گوید: درس زندگی، توحید است. [و این] مال همه بشر است؛ فقط مال مؤمنین نیست؛ اَدْنِ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ؛ قِيَامًا لِلنَّاسِ.

«سعی» بین صفا و مروه عبادت است؛ در آن ذکر می‌گویید، دعا می‌خوانید اما اشاره نمادین دارد؛ [یعنی] همیشه بین کوه مشکلات زندگی، حرکت کنید، تلاش کنید. «سعی» یعنی راه رفتن تند. وَ جَاءَ مِنَ اقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى؛ می‌دوید. «سعی» یعنی تند حرکت کردن. بین کوه مشکلاتی که در زندگی وجود دارد، هیچ وقت متوقف نمانید، هیچ وقت معطل و متحیر نمانید؛ حرکت کنید، سرعت به خرج بدهید؛ درس سعی، اشاره نمادین سعی این است. حرکت به عرفات، به مشعر، به منا، معنایش این است که شما که آمدید مکه، چند روز در خود مکه [هم] ساکن نباشید. «سکون» برخلاف خواست خدای متعال برای بشر است. بشر برای «حرکت» آفریده شده. دست دارید، پا دارید، زبان دارید، عقل دارید، توانایی دارید، قوت دارید، باید حرکت کنید؛ حرکت. رفتن به عرفات، رفتن به مشعر، رفتن به منا.

«قربانی» اشاره نمادین دارد که گاهی اوقات انسان بایستی از عزیزترین چیزهای خودش هم بگذرد، قربانی کند. مثال کامل و تام

و تماشای قربانی کردن اولیا است، قربانی کردن ابراهیم است اسماعیل را؛ قَلَمًا أَسْلَمًا وَ تَلَّةً لِلْجَبِينِ؛ شوخی است؟ دست و پای بچه جوانش را، نوجوانش را ببندد، او را بیندازد به زمین، کارد را بکشد به گلویش، چون خدا گفته؛ قربانی. یک جاهایی باید قربانی کرد، یک جاهایی باید قربانی داد، یک جاهایی باید قربانی شد؛ اشاره نمادین است.

«رمی جمرات» [یعنی] شیطان را بزنی، هر جا بود، هر جور بود؛ در هر نقطه ای که شیطان را پیدا کردی، بکوب شیطان را؛ شیطان را بشناس و بزنی. شیطان هم، شیطان انس داریم، شیطان جن داریم؛ وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غَرُورًا؛ ببینید، همه اینها درس است. همه این حرکات، این کارهایی که در حج هست، این عبادت‌هایی که گفتیم محتوای حج را تشکیل می‌دهد، همه اینها درس است.

«احرام» درس است. احرام در مقابل خدای متعال خشوع است؛ لباس‌ها و زینت‌ها و آرایه‌های گوناگون زندگی را برکنار کردن با یک تکه پارچه، عبادت است، خشوع است، اما درس است؛ این کار را اول ثروتمند جهان و فقیرترین فرد موجود [که] در حجند، هر دو مثل هم باید انجام بدهند، فرقی بینشان نیست؛ پادشاه هم باشد، همین است؛ رعیت هم باشد، همین است؛ هر کسی باشد، همین است؛ یکسان سازی انسان‌ها در مقابل خدای متعال».

ایشان در آخرین پیام خود به حجاج بیت الله الحرام در سال ۱۴۰۴ نیز فرمودند: «سفر حج همانند دیگر سفرها نیست که برای تجارت یا گردشگری یا هدف‌های گوناگون دیگر انجام می‌شوند و احیاناً در خلال آن، عبادتی یا کار نیکی هم صورت می‌گیرد؛ سفر حج تمرین هجرت از زندگی معمول به زندگی مطلوب است. زندگی مطلوب، زندگی توحیدی است که در آن، طواف دائم بر گرد محور حق، سعی دائم در میانه قله‌های دشوار، رمی دائم شیطان شریر، وقوف آمیخته با ذکر و ابتهاج، اطعام فقیر زمین‌گیر و رهگذر، یکسان دیدن رنگ و نژاد و زبان و جغرافیای انسان‌ها، و در همه حال آماده خدمت بودن و به خدا پناه بردن و پرچم دفاع از حق برافراشتن، اجزای اصلی و همیشگی است. آئین حج، نمونه‌های نمادین این زندگی را در خود گردآورده، و حج گزار را با آن آشنا و به آن دعوت می‌کند.

این دعوت را باید شنید؛ دل را و چشم ظاهر و باطن را باید گشود؛ باید آموخت و عزم خود را برای به کارگیری این درس‌ها، استوار داشت. هر کس در حدّ توان می‌تواند گامی در این راه بردارد؛ و علما و روشنفکران و صاحبان مناصب سیاسی و جایگاه‌های اجتماعی، بیش از دیگران».

شهید آیت الله سید علی خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در سال ۱۴۰۳ در خصوص اسرار حج، فرمودند: «حج یک فریضه چندلایه و چندبُعدی و پُرْمضمونی است؛ هم جنبه معنوی آن، هم جنبه مادی آن دارای ابعاد گوناگون است، لکن به نظر این حقیر دو نکته در حج جزو نکات برجسته حج است که یک نکته مربوط می‌شود به درون انسان، باطن انسان، روح انسان - که تولیدکننده علم و معرفت و عزم است - یک نکته هم مربوط می‌شود به زندگی اجتماعی.

آن نکته ای که مربوط به درون انسان و باطن انسان و تربیت انسان و پرورش عزم و اراده صحیح در انسان است، عبارت است از مسئله «ذکر». در حج، ذکر یک عنصر بسیار مهمی است. شما نگاه کنید از اول تا آخر حج، از احرام و مقدمات احرام تا انجام عمره، بعد احرام حج، بعد وقوف و بقیّه اعمال حج، سر تا پا متضمن ذکر و یاد خدا است.

لذا در قرآن کریم در موارد متعددی در همین زمینه حج، امر به ذکر شده است؛ همین آیاتی که تلاوت کردند، و از جمله این آیات: «فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ»، «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ»، «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ»، «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ»، همه اش ذکر؛ سر تا پا؛ چه در طواف، چه در سعی، چه در نماز طواف، چه در وقوف عرفات، چه در مشعر، چه در اعمال منی! سر تا پای حج ذکر است، توجه به خدا است.

این ذکر، منشأ زندگی است؛ مهمش این است. وقتی ما یاد خدا در دلمان بود و خشیت الهی بر اثر یاد خدا بر دل ما سایه افکند، این در حرکت زندگی ما، در اراده ما، در عزم ما، در تصمیم‌گیری‌های بزرگ ما اثر خواهد گذاشت. ملتی که احتیاج دارد به کارهای اساسی و بزرگ، آحادش باید با ذکر خدا مأنوس باشند».

ایکنا